



بررسی سیاست خاورمیانه‌ای روسیه؛ میزگرد مشترک پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه و مرکز بین‌المللی استراتژیک و مطالعات سیاسی روسیه

روز سه شنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۹۲ پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه با همکاری مرکز بین‌المللی استراتژیک و مطالعات سیاسی روسیه نشست را با موضوع "بررسی سیاست خاورمیانه‌ای روسیه" برگزار کرد. در این نشست پژوهشگران مقیم و مهمان پژوهشکده، و جمعی از دانشجویان مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد از دانشگاه‌های مختلف حضور داشتند. در این نشست، آقای ویتالی نائومکین رئیس مرکز بین‌المللی استراتژیک و مطالعات سیاسی روسیه و دکتر کیهان برزگر رئیس پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه به طرح دیدگاه‌های خود درباره موضوع مزبور پرداختند.

دکتر کیهان برزگر: در آغاز، از دکتر ویتالی نائومکین برای حضور در این نشست تشکر می‌کنم. او رییس مرکز بین‌المللی استراتژیک و مطالعات سیاسی روسیه است. نخست، دکتر نائومکین دیدگاه‌های خود را درباره اهداف سیاست خارجی روسیه در قبال خاورمیانه و ایران مطرح خواهند کرد. سپس من سؤالاتی را که به نوعی سؤالات مشترک همه ما باشند، مطرح می‌کنم. پس از آن، محققان و دانشجویان ایرانی می‌توانند نقطه نظرات و سؤالات خود را درباره مواضع و سیاست‌های روسیه در قبال مسائل منطقه‌ای و ایران مطرح کنند.

دکتر ویتالی نائومکین: نخست، من سخنرانی مختصری درباره سیاست روسیه در خاورمیانه، و مواضع روسیه در قبال تحولات منطقه خواهم داشت. چندین سال پیش، روسیه خیلی در خاورمیانه درگیر نبود؛ بنابراین، به طور کلی، منطقه خاورمیانه در صدر اولویت‌های سیاست خارجی روسیه نبود. پس از آن، طی سالهای اخیر، شرایط تا اندازه‌ای شروع به تغییر کرد و منطقه خاورمیانه در سلسله مراتب اولویت‌های سیاست خارجی روسیه قرار گرفت، این منطقه [برای روسیه] مطرح شد و با اهمیت‌تر شد؛ به طوری که ما می‌توانیم بگوییم که شرکای اصلی روسیه



در خاورمیانه، کشورهای هاستند که نزدیک به جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع، آسیای مرکزی و قفقاز هستند. این امر در درجه نخست، بدین معناست که ترکیه و ایران در میان اولویت‌های سیاست خارجی روسیه هستند و همچنین، آنها در میان اولویت‌های سیاست خارجی روسیه هستند و همچنین، آنها شرکای روسیه بنا به دلایل بسیار هستند؛ اساساً به دلیل نفوذ آنها در منطقه، و ثانیاً به دلیل اهمیت زیادی که در نخستین کمربند در بخش آسیای غربی روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز دارند. با ترکیه، ما حجم زیادی از تجارت و همکاری‌های اقتصادی را داریم. اما متأسفانه، با ایران نداریم؛ به استثنای نیروگاه اتمی بوشهر که البته، [حجم همکاری‌ها در این زمینه] بسیار زیاد است. به طور کلی، اگر ما حجم مبادلات تجاری را در نظر بگیریم، آن برجسته و زیاد طی سال‌های اخیر نبود و حتی کمتر شد. ما اگر بخواهیم روابط خود را گسترش دهیم، ما مجبور به انجام اقداماتی در ارتباط با آن هستیم. ما تجربه و محرک‌های کافی برای شرکت‌های متوسط و خرد نداریم تا با یکدیگر کار کنند. اما در ارتباط با ترکیه، ما به نحوی عالی با آن داریم کار می‌کنیم، ما در انتظار این هستیم که احتمالاً طی سه سال آینده، حجم تجارتیمان با این کشور به ۶۰ میلیارد دلار ارتقاء پیدا کند و ما شرکت‌های ترکیبی بسیاری داریم که در روسیه، در زمینه ساخت-وساز و سهام تجاری مشغول فعالیت هستند. ما بیش از ۴ میلیارد توریست روسی داریم که به ترکیه می‌روند؛ ما با این کشور همکاری‌های خوبی در زمینه خطوط لوله انرژی داریم؛ ترکیه یکی از مصرف‌کنندگان و خریداران گاز و نفت روسیه است. ما ارتباطات دیگری نیز با ترکیه داریم؛ از آن جمله همکاری‌های سیاسی بسیار، با وجود این حقیقت که ترکیه عضو ناتو است. طی چند سال اخیر، ما یک اختلاف نظر مهم داشته‌ایم و آن در خصوص بحران سوریه است. اما با این وجود، ما اجازه نمی‌دهیم که روابط دو جانبه‌مان متأثر از این تفاوت دیدگاه باشد. تماس‌های خوبی میان آقای پوتین و آقای اردوغان وجود دارد. بنابراین، حفظ روابط از اولویت بالایی هم برای ترکیه و هم برای روسیه برخوردار است.

ما به این نوع جهت‌گیری ادامه خواهیم داد؛ صرف نظر از اینکه چه چیزی در جهان عرب دارد اتفاق می‌دهد. روسیه دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به تحولات در دیگر مناطق، مصر، لیبی و دیگر کشورهای عربی دارد؛ اساساً به دلیل نزدیکی اخوان المسلمین. البته، این امر هنوز روابط ما را



خراب نکرده است، با توجه به اینکه ترکیه نمونه‌ای از دولتی است که هیچ‌گونه عدم تساهل یا ایدئولوژی قابل قبولی را که بتواند به امور داخلی ما آسیب رساند، پیشه خود نساخته است؛ چرا که ما مراقب هستیم، با توجه به اینکه کشور ما چندملیتی، چندقومیتی و چندفرقه‌ای است؛ ما بیش از ۲۰ میلیون مسلمان در کشورمان و اکثریت مسیحیان ارتدوکس و ... را داریم.

با ایران، ما همچنین همکاری‌های بسیار خوبی داریم و روس‌ها نگاه بسیار خوبی به ایران دارند. البته، گاهی اوقات ما دوره‌هایی پرتنش و ناآرام در تاریخ روابط خود داشتیم. با ترکیه نیز این گونه بوده است، اما هیچ‌کس از دریچه این خاطرات قدیمی به روابط ما نگاه نمی‌کند. به عنوان نمونه، در خصوص آلمان نیز این گونه بوده است. ما یک جنگ وحشتناک با آن داشتیم که پدران ما در این جنگ یکدیگر را داشتند می‌کشتند. اما هم‌اکنون، ملت آلمان، بهترین ملت از دیدگاه روس‌ها است. هنگامی که ما نظرسنجی می‌کنیم، آنها می‌گویند که دوستان اصلی روسیه، آلمان‌ها هستند؛ گویی همه چیز فراموش شده است. همین امر در مورد ترکیه نیز صادق است؛ این کشور نیز جنگ‌ها و رقابت‌های زیادی بر سر آسیای مرکزی و قفقاز با روسیه داشت. ما حتی تعداد زیادی همسران روسی در ترکیه داریم که به ۱۰۰۰۰۰ نفر می‌رسد. ما ازدواج‌های مختلط زیادی و فرزندان دو رگه زیادی داریم. ما هم اکنون می‌توانیم بدون ویزا سفر کنیم. همچنین، روس‌ها می‌توانند به ترکیه بیایند و در آنجا، در هر زمانی بمانند و ترک‌ها نیز در روسیه؛ روابط بسیار خوبی است.

در ارتباط با ایران نیز ما به دنبال روابط توسعه یافته‌تر هستیم و من فکر می‌کنم که بسیار مهم است؛ به ویژه آنکه در حال حاضر، ما با چالش‌های زیادی مواجه هستیم و چالش اصلی به اصطلاح بهار عربی است. ما به نوعی بحث‌های زیادی درباره آن داریم؛ اینکه آن ناشی از عوامل داخلی بوده یا همان گونه که برخی مردم حتی در جهان عرب باور دارند، آن نتیجه توطئه بود. شما می‌دانید که مردم در این بخش جهان، گاهی اوقات نظریه توطئه را دوست دارند و یک جوری، توطئه غرب و توطئه آمریکا را مطرح می‌کنند؛ من فکر نمی‌کنم که آن توطئه بود. در تونس، آن جنبش اصیل و حقیقی مردم بود؛ خیزش‌های مردمی علیه اقتدار فاسد که برای مردم خود تبعیض قائل می‌شد و اجازه مشارکت به آنها بر اساس برابری، کرامت و ... را نمی‌داد. سپس، آن به مصر تسری پیدا کرد که اساساً بسیار شبیه به آن بود. برخی افراد در حال حاضر دارند بیان می‌کنند که



انقلاب توسط اخوان المسلمین ربوده شد. به نظر من، سه انقلاب در مصر وجود داشت. نخستین آن، انقلاب مردمی علیه مبارک بود؛ دومین آن، به جور تغییر کامل موازنه سیاسی بود، هنگامی که اخوان المسلمین قدرت انحصاری در مصر شد و برای نخستین بار انتخاب شدند و سپس مرسی رئیس جمهور شد. سپس، کودتای سوم شد که هم اکنون من ترجیح می‌دهم آن را انقلاب بنامم؛ هنگامی که سال گذشته ارتش مرسی را ساقط کرد و کشور شاهد موج تغییر و دگرگونی بود. روسیه ناگهان طرفدار مصری‌ها شد و مصری‌ها دارند سعی می‌کنند که روابط خود را تنوع بخشند. درواقع، آنها [مصری‌ها] از دست آمریکایی‌ها که از اخوان المسلمین حمایت کرد، خیلی خوشحال نیستند و به این دلیل است که مقامات جدید مصر دارند سعی می‌کنند تا روابط خود را تنوع بخشند. البته، آنها نمی‌توانند بدون کمک و حمایت آمریکا زندگی کنند؛ به ویژه ارتش مصر. آنها روابط بسیار خوبی با آمریکا دارند و ما این را درک می‌کنیم، این انتخاب آنها است و احتمالاً ضرورتی برای آنها است که این کار را انجام می‌دهند.

در عین حال، آنها می‌خواهند روابط خود را تنوع بخشند، آنها دو تن از وزرایمان را دعوت کردند؛ وزیر دفاع و وزیر خارجه؛ آن به اصطلاح دیداری دوجانبه بود؛ ما منتظریم برای دیدار متقابل از سوی وزیرای مصری. احتمالاً همکاری‌های بیشتری پس از سال‌ها روابط سرد وجود خواهد داشت؛ زیرا ما هیچ اقدامی انجام نداده بودیم به ویژه در حوزه امنیت؛ در حال حاضر ما نقطه نظرانی داریم که با مصر چه کنیم و مصری‌ها نگاه خیلی خوبی به روسیه دارند. کم و بیش می‌توانم بگویم که تقریباً یکی از موفقیت‌های سیاست روسیه طی چند سال اخیر، حوزه مصر بود؛ زیرا شرکای اصلی ما در غرب دارند ایده‌هایی را نشر می‌کنند که روسیه مخالف بهار عربی بود، در حالی که این درست نیست. به طور کلی، روسیه بسیار محتاط است. ما به اندازه شرکای غربی‌مان احساساتی نیستیم؛ یک روزه قضاوت کردن و گفتن اینکه ما مخالف آن [بهار عربی] هستیم و آن دموکراسی نیست. ما قضاوت نمی‌کنیم و به آن از دریچه این گونه مسائل نگاه می‌کنیم. من همواره به دوستان ایتالیایی و آمریکایی خود دارم می‌گویم که اگر ما به خاورمیانه نگاه کنیم، احتمالاً دموکراتیک‌ترین نظام در ایران است، زیرا آن بسیار کثرت‌گرا است، شما پارلمان دارید، شما



احزاب دارید. اگر ما ایران را با دولت‌های بسیاری مقایسه کنیم، با دیکتاتورهای اقتدارگرا در جهان عرب؛ می‌بینیم که آنها پارلمان ندارند، احزاب ندارند، هیچ چیز ندارند.

البته، این مساله درباره لبنان کاملاً متفاوت است. ما یک نظام دموکراتیک خیلی خوب در آنجا داریم، همه نهادها مشابه نهادهای غربی است. البته، مردم نسبت به این کثرت‌گرایی و تنوع نگران هستند و بنابراین، روسیه در قضاوت کردن [نسبت به تحولات عربی] محتاط بود. به عنوان مثال، ما در خصوص اخوان المسلمین بسیار نگران بودیم؛ زیرا اخوان المسلمین در پایان دهه ۱۹۹۰ در لیست سیاه رسمی سازمان‌های افراطی گنجانده شد. چرا؟ نه به دلیل اینکه آنها بسیار افراطی هستند؛ آنها جهادی نیستند، آنها میانه رو هستند، ما این را درک می‌کنیم. اما در عین حال، آنها از جنبش جدایی طلبانه در چین حمایت می‌کردند و شورشیان چینی را آموزش می‌دادند، تسلیحات و مردم را به آنجا می‌فرستادند و بدین دلیل است که اخوان المسلمین در صدر سازمان‌های افراطی قرار داشت. اما هنگامی که آنها به قدرت رسیدند، هنگامی که آقای پوتین مرسی را برای نخستین بار در فوریه ۲۰۱۲ ملاقات کرد، او را به دوربان در آفریقای جنوبی دعوت کرد، او را به آمدن به روسیه دعوت کرد؛ سال گذشته در آوریل، او به روسیه آمد و آنها درباره پروژه‌های زیادی برای همکاری گفتگو کردند.

پس از آن، کودتای نظامی شد و وضعیت تغییر کرد. اما ما هنوز با مصر داریم کار می‌کنیم و درباره آینده مصر داریم صحبت می‌کنیم. من نمی‌دانم که چگونه این قدرت جدید می‌خواهد مشکلات بسیار سخت شهروندان را حل کند؛ زیرا پس از این تغییرات مردم در انتظار پیشرفت و بهبود واقعی در زندگی‌های روزمره‌شان هستند و نیز در انتظار حل مشکلات اقتصادی در این کشور که دارد بسیاری از بخش‌های اقتصادی را ورشکست می‌کند. بنابراین، آنها به کمک نیاز دارند، آنها نیاز به سرمایه‌گذاری دارند، آنها نیاز به امنیت دارند و آنها انتخابات را برگزار می‌کنند و نظاره‌گر آن خواهند بود؛ عرصه‌ای که مانع ورود اخوان المسلمین خواهند شد زیرا آنها در حال حاضر در مصر تروریست تلقی می‌شوند و یک بخش خاصی از جامعه وجود دارد که هنوز از اخوان المسلمین حمایت می‌کند؛ البته، ما نمی‌دانیم چه تعداد. ما هنوز نمی‌دانیم که قوانین‌شان به کجا می‌رود. ما امیدواریم که وضعیت بهتر و با ثبات شود. تغییرات زیادی در مصر وجود دارد؛ جایی که ما تلاش



خواهیم کرد با هرکسی که به قدرت می‌رسد، همکاری کنیم و بر اساس اراده مردم مصر، ما با آنها کار خواهیم کرد.

پس از آن، دو موفقیت دیگر در سال گذشته به غیر از مصر، در ۲۰۱۳ وجود داشت. روسیه دو اقدام خوب انجام داد. نخست، درباره مساله خلع سلاح های شیمیایی در سوریه. آن نتیجه مثبت طرح ابتکاری روسیه بود که توسط غرب مورد حمایت واقع شد و آن سوریه را از حمله نظامی نجات داد و همان طور که شما می‌دانید، وضعیت روسیه در سوریه با ثبات و دائمی است و ما قصد تغییر آن را نداریم. این موقعیت نه تنها براساس فلسفه روابط بین المللی ما است؛ عرصه‌ای که ما هر نوع مداخله و بی احترامی به حاکمیت و تمایل مردمان گوناگون - آن گونه که آنها می‌خواهند رژیم‌ها را براساس اراده برخی افراد یا فردی ساقط کنند - علیه رژیم‌ها را رد می‌کنیم. بنابراین، ما این ابتکاری را مطرح کردیم زیرا آن مهم بود و سوری‌ها لازم است که آن را انجام دهند و همکاری خوبی با آمریکایی‌ها در این زمینه وجود داشت و این طرح راه را برای درک بهتر منطقه فراهم می‌کند. هنگامی که ما سال گذشته، جلساتی با آقای پوتین داشتیم، او گفت که در حال حاضر، اسرائیل هیچ دلیلی [برای وجود تسلیحات کشتار جمعی خود] ندارد چرا که آن تسلیحات هسته‌ای دارد. بنابراین، اگر وضعیت به نحوی عالی پیش رود، ما مجبور خواهیم بود که به اسرائیل فشار آوریم تا تسلیحات کشتار جمعی خود را امحاء کند. اقدام بسیار مهم دیگر مذاکرات گروه ۵+۱ با ایران بود. به نظر من، اراده خوب حکومت و رهبری ایران نیز به دست یافتن به چنین نتایجی کمک کرد. شما جزییات این موفقیت را می‌دانید. البته، آن نهایی نیست. بنابراین، ما مجبوریم منتظر بمانیم و به آینده نگاه کنیم. ما امیدهای زیادی داریم، اگرچه شکاکيون زیادی در غرب وجود دارند که از ایران و روسیه دارند انتقاد می‌کنند. اما من فکر می‌کنم که به طور کلی، رئیس جمهور آمریکا آن قدر عاقل است که این سیاست متعادل را در قبال این موضوع ادامه دهد و آن را تبدیل به بهانه‌ای برای اقدام تجاوزکارانه نکند.

بنابراین، به نظر من، این سه موضوع یعنی مساله هسته‌ای، مساله تسلیحات شیمیایی و موضوع مصر موجب شده تا ما درک کنیم که نقش روسیه در خاورمیانه فعال‌تر شده است؛ به ویژه در سال اخیر و با توجه به حمایت مداوم ما در سوریه. این نقش متمایل به حمایت از شخص بشار



اسد نیست، بلکه بر اساس تمایل ما به کنار گذاشتن مداخله و بازداشتن افراطگرایی و تروریسم است؛ چرا که ما می‌دانیم که چه تعداد تروریست دارند به این کشور می‌آیند از سراسر جهان، از ۸۲ یا ۸۵ کشور و نیز از سازمان‌ها تروریستی زیادی. ما نگران این تهدید هستیم که یک تهدید مشترک برای ما است و ما طرفدار گفتگوی ملی و آشتی (رفع اختلاف) هستیم. بدین دلیل است که ما از کنفرانس ژنو ۲ حمایت می‌کنیم. من انتظار هیچ نوع راه حل آسان به ویژه از دور نخست این مذاکرات را ندارم. من فکر می‌کنم که در این خصوص، روندی دائمی وجود خواهد داشت. آن فقط شروع مذاکرات طولانی است. به نظر من، بسیار دشوار است، وضعیت بسیار دشواری است، مناقشه ای بسیار دشوار برای حل شدن. برخی گروه‌های اپوزیسیون منتظر هستند و فقط برکناری بشار اسد را می‌خواهند، و نیز شکل‌گیری هیاتی انتقالی که از اقتدار و حق ویژه برخوردار باشد. من فکر می‌کنم که این امر اتفاق نخواهد افتاد. به نظر من، این آغاز روند گفت‌وگو ملی است که توسط همه طرفین حمایت می‌شود و این جایی است که روسیه در آن خیلی فعال است.

آخرین نکته من در ارتباط با خاورمیانه، منازعه فلسطین - اسرائیل است که در حال حاضر، آمریکایی‌ها دارند به سمت راه حل اصلی حرکت می‌کنند و آنها در انتظار اتمام این دوره شش ماهه برای دستیابی به فرمول و راه حل نهایی هستند. البته، من فکر نمی‌کنم که این امر بتواند اتفاق افتد. طرح کری خوب است. اما آن با یک نوع طرز تفکر بسیار دشوار از سوی حکومت اسرائیل، حکومت کنونی دست راستی و بسیار تجاوزکارانه مواجه است و فلسطینی‌ها نیز در یک موقعیت بسیار ضعیف قرار دارند. روسیه دارد سعی می‌کند که هر اقدامی را که عملی است، انجام دهد، اما خیلی دشوار است. ما منتظر یک راه حل سریع برای این مناقشه نیستیم. مناقشه کوچک دیگری نیز وجود دارد؛ جایی که روسیه دارد کاملاً با غرب همکاری می‌کند. یمن کشوری است که در آن گفت‌وگو ملی وجود دارد و همچنان ادامه دارد. همچنین، طرحی برای این کشور پس از برکناری علی عبدا ... صالح وجود داشت ولی هنوز وضعیت نگران کننده است. اما حداقل، آنها از جنگ داخلی گریختند و جنگی وجود ندارد و در نتیجه، دوستان این کشور یا یکدیگر دارند کار می‌کنند از جمله با روسیه.



دکتر کیهان برزگر: به طور کلی، خلاصه سخنرانی دکتر ویتالی نائومکین درباره لزوم تقویت روابط میان روسیه، ترکیه و ایران به ویژه در چارچوب اقتصادی، مواضع کلی روسیه در پرتو تحولات بهار عربی و نیز موضع روسیه در قبال بحران سوریه، موضع روسیه در قبال مذاکرات هسته‌ای ایران و سرانجام، موضع روسیه در قبال مناقشه اعراب - اسرائیل بود. این‌ها همگی موضوعات پیچیده‌ای هستند؛ ما می‌توانیم برای جزئیات به این موضوعات بازگردیم.

سؤال: تا چه اندازه شما فکر می‌کنید که موضوع کنونی روسیه در قبال خاورمیانه متأثر از سبک راهبردهای شوروی سابق در دوره گذشته می‌باشد؟

دکتر ویتالی نائومکین: به هیچ وجه متأثر از آنها نیست، کاملاً متفاوت است، کاملاً سیاست متفاوتی است؛ به ویژه بر اساس اصول متفاوت. نخست آنکه، اساس روابط شوروی سابق مبتنی بر موضوعات ایدئولوژیک و تقویت، کمک و حمایت از رژیم‌های مشخصی بود؛ به دلیل آنکه دوره جنگ سرد و بازی با حاصل جمع صفر بود. به عنوان مثال، اگر ما به مساله منازعه اعراب - اسرائیل نگاه کنیم، می‌بینیم که روسیه هیچ‌گونه روابطی پس از ۱۹۶۷ با اسرائیل نداشت و برای اسرائیل روسیه کاملاً به عنوان یک کشور دشمن تلقی می‌شد که فقط از اعراب حمایت می‌کرد. اما وضعیت در خصوص اهداف پراگماتیک (عملگرایانه) متفاوت است؛ چون سیاست روسیه بر اساس عملگرایی (پراگماتیسم) است، ارتباطی به انقلاب‌ها یا به ایدئولوگ‌ها و رژیم‌های چپ‌گرا ندارد که شوروی سابق از آنها حمایت می‌کرد. روسیه تمایل ندارد که منابع خود را برای حمایت از هر نوع رژیم یا هر چیز دیگری هزینه کند؛ زیرا اساساً آن در حال حاضر متمرکز است، رهبری روسیه بیشتر نگران تحولات کشور خود است. آنچه روسیه نیاز دارد، بهتر شدن و پیشرفت کشور است زیرا ما وامدار بقایای زیادی از اقتصاد نظامی محور هستیم که متمایل به رقابت با ایالات متحده بود. ما در حال حاضر، با هیچ کس رقابت نمی‌کنیم؛ معتقدیم که ما واقعا دشمنی نداریم که مایل باشد جنگ علیه ما را آغاز کند؛ از این رو، ما داریم بر نوسازی اقتصادمان تمرکز می‌کنیم، در نوسازی ساختارمان که مهم است زیرا ما کشوری بزرگ با آب و هوای بسیار سرد و با منابع خوب هستیم. اما در عین حال، منابع همه چیز نیست. ساختن یک زیربنای جدید که تا کنون نبوده، بسیار دشوار است. به عنوان مثال، ما اقتصاد بازار در حال حاضر داریم که در آن هر چیزی



می‌بایست پرسود باشد و دولت محور یا تحت کمک‌های مالی دولت نیست همچون دوره شوروی سابق. زیرا از نقطه نظر ما، آن [اقتصاد دولتی] به فروپاشی شوروی سابق کمک کرد - در واقع، دادن کمک‌های مالی دولت و منابعی که در حمایت از برخی دولت‌ها و انقلابات سرازیر می‌شد. ما مجبوریم درباره چگونگی توسعه این کشور، چگونگی توسعه جاده‌ها، زیربنا، چگونگی ساخت خانه‌ها به ویژه در این آب و هوای بسیار سرد بیندیشیم - به عنوان مثال، در سبیری که هوا بسیار سرد است. همین امر در ارتباط با مساله دفاعی نیز صدق می‌کند، ما مرزهای پهناوری داریم و به اندازه کافی، مردم به منظور حمایت و دفاع از خودمان را نداریم. بنابراین، ما به یک راهبرد بسیار پیچیده برای حمایت از مرزهایمان، چگونگی ساخت نیروهای مسلح‌مان و به منظور دور شدن از نظامی‌گری شدن نیاز داریم. راهبرد ما هم‌اکنون بر اساس تسلیحات استراتژیک است و این راهبرد آشکار و واضح است، زیرا آن نظامی است که دارد کار می‌کند. بنابراین، من می‌گویم که ما روابط خوبی داریم و اگر ما به این منطقه بیایم، با توجه به شرکای جدیدی که داریم، میان روسیه و شوروی سابق تفاوت وجود دارد. به عنوان نمونه، آقای پوتین روابط شخصی بسیار خوبی با پادشاهان زیادی در جهان عرب دارد، همچون پادشاه اردن عبدال... و پادشاه مراکش، محمد ششم. ما روابط خوبی با دولت‌های بسیاری داریم، با کویتی‌ها. بنابراین، این سیاستی کاملاً عملگرایانه و متفاوت از شوروی سابق است.

سؤال: سؤال من درباره این است که تا چه اندازه شما فکر می‌کنید که برقراری روابط

حسنة میان ایران و آمریکا بر روابط ایران و روسیه به ویژه در حوزه هسته‌ای تاثیر گذار خواهد بود؟

دکتر کیهان برزگر: از نقطه نظر من، ارتقای روابط آمریکا و ایران لزوماً به بهای روابط ایران و

روسیه رنخواهد بود و دو طرف روابط سنتی خود را حفظ خواهند کرد زیرا ماهیت روابطشان قطعاً متفاوت است؛ بر اساس امنیت دولت‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای. به بیان دیگر، این احساس ترس که ارتقای روابط ایران و غرب به ضرر روابط ایران و روسیه خواهد بود، از سوی طرف روسی است. اما نکته دیگر که باید به این سؤال اضافه کرد، این است که واقعاً ریشه این نگرانی در میان روس‌ها چیست؟



دکتر ویتالی نائومکین: به ما هیچ ارتباطی ندارد که این موضوع چگونه می‌تواند روابط ایران را تحت تاثیر قرار دهد ما با ایجاد روابط حسنه میان ایران و آمریکا مشکلی نداریم. ما خوشحالیم که این امر دارد اتفاق می‌افتد؛ چرا که اگر تحریم‌ها پایان یابند، متوقف شوند و همه چیز مشروعیت پیدا کند، فضای بیشتری برای شرکت‌های روسی فراهم خواهد شد تا با ایران کار کنند. در حال حاضر، ما محدود هستیم، ما شرکت‌های متعددی داریم، شرکت‌های بزرگ روسی بسیار علاقمند به کار با ایران هستند. اما برخی شرکت‌ها، قبل از هرچیز، به نظام بانکداری غربی مرتبط هستند. بنابراین، آنها در معرض تحریم‌ها خواهند بود؛ حتی تحریم‌های یکجانبه توسط آمریکا و اروپایی‌ها. ما مخالف این تحریم‌ها هستیم. ما فکر می‌کنیم که آنها کاملاً غیرقانونی هستند. بنابراین، من فکر می‌کنم که اگر تحریم‌ها وجود نداشته باشند، ما بسیار خوشحال خواهیم شد زیرا ما و شرکت‌های ما با ایران کار خواهند کرد. از لحاظ سیاسی، به نظر من، اعتقاد عمومی در میان کارشناسان واقعی این است. شاید عوام چنین نظری دارند که می‌گویند «آن برای روسیه بد است»، اما کارشناسان واقعی چنین نظری را ندارند ...

دکتر کیهان برزگر: اما این نقطه نظر محققان و نخبگان سیاسی است ...

دکتر ویتالی نائومکین: محققان، اما احتمالاً محققانی که این منطقه را درک نمی‌کنند. به نظر من، پژوهشگرانی که این منطقه را درک می‌کنند، بیشتر آنها می‌دانند که هر چه بیشتر شما به رابطه خوب با آمریکا بازگردید، بیشتر شما نیاز دارید تا روابط خوب خود را با روس‌ها حفظ بکنید و ادامه بدهید. نخست، به دلیل اینکه ما بسیار نزدیک هستیم و دوم آنکه، به دلیل اینکه شما علاقمند به امنیت‌تان، کمربند امنیتی خوب از شمال هستید. شما رژیم‌های غیردوست بسیاری در خارج از کشورتان دارید، و مشکلات و مناقشات زیاد. اینکه در طول همه این سال‌ها، ایران محیط امنیتی بسیار امنی از سوی جبهه شمالی داشت، به دلیل روابط خوب با روسیه و متحدان استراتژیک آن در آسیای مرکزی و قفقاز بود. من این نکته را از لحاظ امنیتی بیان کردم و شما این مساله را از دیدگاه متنوع سازی روابط مطرح می‌کنید. همچنین، باید توجه کرد که کشورهای غربی، با توجه به بحران مالی سخت در اروپا، نشانه‌های وضعیت بیمارگونه در ایالات متحده و نیز محدودیت‌ها در بودجه‌شان نمی‌توانند به سادگی بپذیرند که در هر کجایی باشند و تفاوت‌های



زیادی زیادی باقی خواهد ماند، علیرغم برقراری احتمالی روابط حسنه. در حال حاضر، من از ایالات متحده می‌آیم؛ چند روز پیش، من جلسات بسیار سطح بالایی در واشنگتن داشتم: چندین مؤسسه تحقیقاتی، اعضای کنگره، برخی سیاستمداران، وزارت امور خارجه؛ آنها از من می‌پرسیدند: «شما فکر می‌کنید که اگر برنامه هسته‌ای حل شود، آیا خوب است؟ آیا فکر می‌کنید که آنها می‌توانند این و آن را تغییر دهند؟ آنها قصد ندارند از این و آن گروه حمایت کنند؟» بنابراین، مسائل زیادی وجود دارد، این تنها چیزی نیست که آنها می‌خواهند. در حال حاضر، اواما بر برنامه هسته‌ای تمرکز کرده است و ما از آن حمایت می‌کنیم زیرا ما معتقدیم که آن عادلانه است، زیرا NPT وجود دارد، ما عضوی از این معاهده هستیم، شما عضوی از این معاهده هستید، ما کاملاً علاقمند به موضوع عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای هستیم. ما قصد داریم که با یکدیگر کار کنیم. علاوه بر این، به نظر من، اگر این موضوع حل شود، هیچ گونه شک یا بدگمانی از طرف غرب وجود نخواهد داشت. ما امیدواریم که ما بتوانیم با یکدیگر درخصوص وارد کردن فشار بر اسرائیل کار کنیم، درخصوص امحای زرادخانه هسته‌ای‌اش. بسیار مهم است، جاده باز خواهد بود و طرح ابتکاری روسیه در ارتباط با یک منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه می‌تواند به حقیقت بپیوندد و هیچ عذر و بهانه‌ای برای اسرائیل وجود نخواهد داشت زیرا همان طور که پوتین گفت: «هیچ کس دیگر قصد حمله به اسرائیل را نخواهد داشت؛ هیچ تهدیدی وجود نخواهد داشت». چرا اسرائیل باید تسلیحات هسته‌ای داشته باشد و دیگران را به بدست آوردن توانمندی هسته‌ای برانگیزاند؟

دکتر کیهان برزگر: آیا تفاوتی در موضع روسیه پیش از مذاکرات ایران و ۵+۱ در ژنو و بعد از مذاکرات وجود دارد؟ آیا تغییری وجود خواهد داشت؟ به عنوان نمونه، روسیه فعال‌تر یا بی‌طرف‌تر و یا شاید ناراحت‌تر بشود؟ ارزیابی شما از این مساله چیست؟

دکتر ویتالی نائومکین: نه، از یک سو، ما داریم با گروه ۵+۱ کار می‌کنیم و در میان بقیه هستیم و مساله نظارت از سوی آژانس بین المللی انرژی اتمی و شفافیت کامل از طرف ایران باقی می‌ماند. اما از سوی دیگر، ما قبل از هر چیز، مخالف هرگونه تحریم‌های سخت علیه کشور شما هستیم؛ به طور کلی مخالف هر گونه تحریم‌های یکجانبه. از این رو، ما چندین سال پیش، از



تحریم‌های ملایم توسط شورای امنیت، بر اساس برخی انتقادات از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حمایت کردیم. اما ما مانع تصویب پیش‌نویس همه قطعنامه‌ها شدیم و پیش‌نویس همه قطعنامه‌هایی را که حاوی تحریم‌های شدید علیه کشور شما بود، وتو کردیم.

این موضع ما بود؛ برخی سازش‌های اندک با شرکای غربی‌مان، اما دفاع از ایران در مقابل تحریم بسیار شدید. آنها پی بردند که روسیه قصد انجام چنین اقداماتی را ندارد، آنها یکجانبه اقدام کردند و ما کاملاً از غرب به خاطر این تحریم‌های یکجانبه انتقاد می‌کردیم. ما طرفدار شفافیت بیشتر بودیم، اما ما مخالف هر گونه اقدامات اضافی دیگر نیز بودیم و طرفدار دادن حق کامل به ایران در توسعه برنامه هسته‌ای‌اش برای استفاده از انرژی هسته‌ای هستیم. چیزهای کوچکی مانند جزئیات اینکه چه میزان غنی‌سازی را باید مجاز دانست و چه تعداد؛ [این موضوع] در حال حاضر در بخشی از مذاکرات هسته‌ای است و به نظر من، این مسأله می‌تواند حل شود. بنابراین، به طور کلی، ما داریم سعی می‌کنیم تا موضع خود را در ارتباط با دفاع از حق ایران برای توسعه تحقیقات اتمی صلح‌آمیزش حفظ کنیم. در عین حال، ما حامی ساخت پل‌ها و حمایت از شفافیت برای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و متوقف کردن این تحریم‌ها هستیم. همان‌طور که شما می‌دانید طرح لاورو از آغاز، لغو تحریم‌ها براساس روندی دوجانبه بود.

سؤال: سؤال من درباره روابط ایران و روسیه است. همان‌طور که شما بیان کردید، روسیه تمایل به ارتقای روابط خود با ایران دارد. من سؤالی در این باره دارم. سؤال من درخصوص تجارت موشک‌های S-300 به تهران است که متأسفانه این تجارت تنزل پیدا کرد. این اقدام توسط طرف روس واقعاً تمایل ایران برای تجارت بهتر را کاهش داده است.

دکتر کیهان بزرگر: اجازه دهید نکته ای دیگر را اضافه کنم زیرا این مسأله تأثیری کلی بر مبادلات تجاری روسیه با دیگر بازارهای منطقه‌ای دارد. شما چگونه این معامله را نگاه می‌کنید؟

دکتر ویتالی نائومکین: من فکر می‌کنم که از جانب طرف روسی تمایل وجود داشت که این معاملات را با ایران داشته باشد و همان‌طور که شما می‌دانید، برخی توافقات در این زمینه وجود داشت. اما به نظر من، هشداری از جانب اسرائیل وجود داشت که اگر روسیه تکمیل این معامله را



شروع کند، اسرائیلی‌ها جنگ را شروع خواهند کرد؛ یک حمله نظامی علیه ایران. ما آن را نمی‌خواهیم، ما می‌خواهیم که هیچ حمله‌ای وجود نداشته باشد. این مسأله درباره سوریه نیز مصداق دارد. ما همچنین خواستیم به سوریه کمک کنیم تا از تسلیحات شیمیایی خود خلاص شود که این تسلیحات توسط سوریه حاصل شد به عنوان آخرین راه حل علیه توانمندی هسته‌ای اسرائیل. البته، ایران سوریه نیست، ایران یک کشور بزرگ با توانمندی‌های زیاد است. اما یک پیام آشکار وجود داشت که اگر روسیه این نوع تسلیحات را فراهم کند، پیش از آنکه آنها مستقر شوند، اسرائیل حرکت تجاوزکارانه خود را شروع خواهد کرد که ممکن است مورد حمایت نیز واقع شود. من فکر نمی‌کنم که آمریکایی‌ها آنقدر احمق باشند که به ایران حمله کنند اما در این مورد، آنها ممکن است توسط اسرائیل مورد حمایت واقع شوند. من فکر می‌کنم که بدین دلیل است که این تصمیم لغو شد.

دکتر کیهان برزگر: آیا با حذف تحریم‌های بین‌المللی، این مسأله می‌تواند تا حدی بالعکس

شود؟

دکتر ویتالی نائومکین: من درباره آن مطمئن هستم.

دکتر کیهان برزگر: بسیار خوب.

دکتر ویتالی نائومکین: اگر راه حل کامل برنامه هسته‌ای از لحاظ بین‌المللی اتخاذ شود،

ما نیز این کار را انجام خواهیم داد.

سؤال: من احساس می‌کنم که روسیه عملگرایی را در سیاست خارجی خود در قبال

خاورمیانه و ایران دنبال می‌کند. من فکر می‌کنم که روسیه نیازمند همسایگان ضعیف در بخش‌های

جنوبی خود است. دیدگاه شما در این باره چیست؟

دکتر کیهان برزگر: آیا روسیه نیازمند یک همسایه ضعیف یا یک همسایه قدرتمند در بخش-

های جنوبی خود است؟



دکتر ویتالی ناومکین: ما به یک همسایه متکی به خود، به یک همسایه پیشرفته نیاز داریم زیرا ضعف منجر به تهاجم و خودکوکچک بینی می‌شود. به نظر من، ما به همسایگان مقتدر نیاز داریم؛ ما می‌توانیم به‌عنوان مثال به ایران و ترکیه نگاه کنیم؛ ترکیه کاملاً یک همسایه قدرتمند است. ما یک همسایه بسیار قوی داریم که چین است؛ ما روابط استراتژیک و همکاری‌های استراتژیک خوبی با چین داریم. بنا به دیدگاه‌هایی، چین قوی‌تر از روسیه است زیرا آنها توانمندی‌های اقتصادی عظیمی دارند، یک کشور قدرتمند با ۱/۳ بلیون مردم؛ آنها می‌توانند منابع مالی خود را بر روی پروژه‌های زیادی متمرکز کنند که ما نمی‌توانیم. چین هم اکنون در همه جا دارد سرمایه‌گذاری می‌کند که ما به دلیل توانمندی‌های مالی‌مان، به سادگی نمی‌توانیم. ما همکاری‌های خوبی با همسایگانمان در آسیای مرکزی داریم، اما نگرش روسیه - برای فهم طرز تفکر روسیه - این است که صرفنظر از برخی نکات منفی در شوروی سابق و چیزهای مثبت زیاد آن همچون نظام خوب تحصیلی و نظام خوب خدمات پزشکی، به‌طور همزمان این کشور داشت کمک می‌کرد به بسیاری از کشورها به ضرر مردم روسیه. این ذهنیت مردم روسیه است که نسبت به روس‌ها فرق گذاشته می‌شد. به دلیل این حقیقت که - و چیزهای بسیاری که هم‌اکنون دیدگاه اصلی هستند - مردم ما رئیس‌جمهور را دارند انتخاب می‌کنند، هر کسی را انتخاب می‌کنند و ما نظام انتخاباتی داریم. بنابراین، رهبران ما باید توجه کنند به اینکه روس‌ها چگونه دارند می‌اندیشند. روس‌ها فکر می‌کنند که بیشتر منابع آنها باید استفاده شود برای توسعه کشور، برای خدمات اجتماعی؛ ما مشکلات اقتصادی زیاد دیگری نیز داریم. به عنوان مثال، جمعیت پیر و بازنشستگان زیادی داریم که باید مورد حمایت واقع شوند. ما بحران در نظام بازنشستگی مان داریم زیرا ما به نیروی کار نیازمندیم. بدین دلیل است که ما مهاجران زیادی از جمهوری‌های شوروی سابق داریم و فقط از تاجیکستان، ما بیش از یک میلیون نفر داریم، ۱/۲ میلیون تاجیک دارند در روسیه کار می‌کنند؛ به همان اندازه از ازبکستان، قرقیزستان، آذربایجان، اوکراین، ملداوی، مهاجران بسیار دیگری و ما به این نیروی کار نیازمندیم. گاهی اوقات، این امر مشکلاتی را ایجاد می‌کند. مهاجران غیرقانونی نیز وجود دارد، زیرا ما ویزا به جمهوری‌های سابق نمی‌دهیم. مباحثاتی وجود دارد. به عنوان مثال، برخی مردم دارند بیان می‌کنند که ما باید نظام ویزا میان روسیه و جمهوری‌های



سابق ایجاد کنیم. من فکر می‌کنم که این اشتباه است؛ بنابراین، دیدگاه من این است که این امر به همگرایی ما لطمه خواهد زد زیرا ما داریم تلاش می‌کنیم تا برخی دولت‌ها را دوباره گردهم آوریم. ما اتحادیه گمرکی داریم که شامل روسیه، بلاروس و قزاقستان است. جریان آزاد کالاها و گمرک وجود دارد. همه چیز آزاد است، نظام مالیاتی، نظام اقتصادی، نظام بانکی مالی، همه چیز آزاد است.

سؤال: سؤال من درباره اولویت‌ها و منافع روسیه در خاورمیانه است. منافع اقتصادی،

ژئوپلیتیکی یا امنیتی است؟

دکتر کیهان برزگر: اولویت روسیه در این منطقه چیست؟ شاید شما بتوانید آن را در

چارچوب بحران سوریه بررسی کنید.

دکتر وینالی نائومکین: به نظر من، بسیار عملگرایانه (پراگماتیک) نیست چرا که برخی

مردم دارند فکر می‌کنند که ما این پایگاه را در طرطوس داریم. پایگاهی وجود ندارد. تأسیسات

کوچکی وجود دارد که دارد به کشتی‌های نظامی ما خدمت می‌کند و فقط آنها [کشتی‌های

نظامی] را با آب و کالاها پُر می‌کند و در حدود ۶۰-۵۰ پرسنل و یک تأسیسات کوچک وجود دارد. ما

می‌توانیم بدون آن زندگی کنیم و حجم مبادلات تجاری و اقتصادی نیز بسیار زیاد نیست.

همکاری‌های نظامی کم و بیش خوب است اما نه آنقدر کافی که سیاست فعالانه‌ای را (Activist

Policy) برای روسیه موجب گردد. این مسأله عمدتاً به فلسفه کلی و دیدگاه ما نسبت به نظام

بین‌المللی مرتبط می‌شود که براساس عدم مداخله، احترام به حاکمیت، دولت - ملت‌ها و عدم

تغییر رژیم توسط اراده ایالات متحده است. پس از آن، ملاحظات اقتصادی مطرح می‌شود. به‌طور

کلی، ارتقای شرکت‌های مان، منافع شرکت‌های تجاری روسیه و منافع همکاری‌های روسیه در

حوزه اقتصاد مطرح می‌شود. البته، پس از آن، تهدیدات امنیتی، نه ژئوپلیتیکی مطرح می‌شود. ما

برای حوزه‌های نفوذ رقابت نمی‌کنیم، ما علاقمند به منافع ژئوپلیتیکی نیستیم. ما با چین یا ایالات

متحده [در ارتباط با بحران سوریه] رقابت نمی‌کنیم. اما در حوزه مسائل امنیتی، به عنوان نمونه، ما

چنین تهدیدی را به عنوان افراط‌گرایی و تروریسم، تروریسم بین‌المللی داریم؛ ما تروریست‌هایی



در کشورمان داریم. شما احتمالاً درباره انفجارهای اخیر که در شهر ولگوگراد انجام شد، شنیده‌اید. بسیار وحشتناک بود و آنها مردم بی‌گناه را کشتند. علاوه بر این، آنها توسط گروه‌های سلفی بنیادگرا استخدام شدند و برخی از این تروریست‌ها روس هستند، مسیحیان ارتدوکس سابق که به مذهب سلفی گرویدند. بنابراین، به عنوان نمونه، اگر ما به افغانستان نگاه کنیم، چنین تهدیدی با عنوان قاچاق مواد مخدر وجود دارد، قاچاق مواد مخدر و داروی مخدر غیرقانونی؛ این مساله اصلی برای ما در افغانستان است. سال گذشته، در ۲۰۱۳، مناطق تحت کشت تریاک به ۳۰٪ افزایش یافت. چرا؟ زیرا آمریکایی‌ها شروع به عقب نشینی از مناطق مشخصی کردند؛ هیچ شغلی برای مردمانی که به سربازان آمریکایی داشتند خدمت می‌کردند، وجود ندارد و متأسفانه آنها از طریق شرکت‌های دارویی مخدر دارند زندگی می‌کنند. من فکر می‌کنم که این مساله برای همه ما مشترک است، برای ایران نیز که با همین تهدید مواجه است.

دکتر کیهان برزگر: بله، من فکر می‌کنم که شما به نکته بسیار مهم و خوبی اشاره کردید؛ دیدگاه و فلسفه کلی روسیه درباره موضوعات بین‌المللی. من اضافه می‌کنم که قرار گرفتن در چارچوب NPT رهیافت روسیه است هنگامی که این کشور بر آن است که از برنامه هسته‌ای ایران حمایت کند. استدلال اصلی این است که ما باید به مقررات NPT متعهد باشیم.

سؤال: تا چه حد شما فکر می‌کنید که بحران سوریه می‌تواند وضعیت امنیتی در روسیه را تحت تاثیر قرار دهد؟ منظور من، شورشیان چینی است.

دکتر کیهان برزگر: پس از حوادث تروریستی ولگوگراد، پوتین این مساله را مطرح کرد که روسیه قویا پاسخ خواهد داد به آنهایی که از فعالیت‌های تروریستی در خاک روسیه حمایت می‌کنند. آیا منظور او یک کشور خاص در این منطقه است؟ دیدگاه شما در این درباره چیست؟ آیا روسیه واقعا این کار را انجام خواهد داد؟

دکتر ویتالی نائومکین: بله، او عربستان سعودی را برای آن مقصر دانست اما مساله این است که آن فقط شورش چین نیست. وضعیت چین در حال حاضر بسیار خوب است. اگر ما به پایتخت چین بیاییم، گروزی یکی از زیباترین شهرها در روسیه در حال حاضر است. وضعیت در آنجا



کم و بیش باثبات است اما شورشیان از مناطق مختلفی دارند می‌آیند، ما این گروه‌های تروریستی را داریم که اساساً از شبه جزیره عربستان تامین بودجه می‌شوند، نه تنها از طرف عربستان سعودی بلکه از جانب سایر دولت‌ها نیز. کانونی در بسیاری کشورها از جمله در کویت و امارات متحده عربی وجود دارد. گروه‌هایی وجود دارند که مورد حمایت واقع می‌شوند علیرغم این حقیقت که حکومت از آنها حمایت نمی‌کند. اما برخی سازمان‌های خیریه و وجوه خصوصی وجود دارند که به آنها دارند کمک می‌کنند. بنابراین، سلفی‌ها تامین بودجه می‌کنند و این چیزی است که دارد اتفاق می‌افتد. بنابراین، در خصوص بحران سوریه، نخست باید گفت که جهادی‌های زیادی از طریق سرزمین ترکیه دارند به آنجا می‌روند و آنها در آنجا [سوریه] آموزش می‌بینند و تجربه بدست می‌آورند. آنها دارند افراطی‌تر و جهادی‌تر می‌شوند و این مساله بد خواهد بود چنانچه آنها بازگردند و این فعالیت‌های تروریستی را در روسیه شروع کنند. بنابراین، ما بسیار نگران هستیم.

نکته دیگر این است که به دلیل تبلیغات و فعالیت‌های اطلاعاتی برخی دوستانمان در کشورهای مختلف - نه تنها در عربستان سعودی - و به دلیل وجود شبکه‌ها و وب سایت‌ها، برخی مسلمانان در روسیه وجود دارند که بسیار مدافع اپوزیسیون در سوریه هستند. آنها از طریق وب سایت‌ها، ایمیل‌ها و موبایل‌ها سعی در متقاعد کردن مسلمانان روسیه دارند. آنها عمدتاً سنی هستند و مجبور به حمایت از این اپوزیسیون هستند زیرا از دیدگاه آنها، این [مساله سوریه] انقلابی علیه کافرانی است که مسلمان نیستند، مانند علوی‌ها، مانند شیعیان و برخی مردم در روسیه در مناطق مسلمان نشین وجود دارد که از اپوزیسیون سوری دارند حمایت می‌کنند و مطابق با سیاست رسمی روسیه نیستند. این یک واقعیت است. ما درخصوص این موضوع با مسلمانانمان داریم کار می‌کنیم، به آنها داریم می‌گوییم که این مساله صحیح نمی‌باشد؛ این استدلال غلطی است؛ این تأثیر جهاد بر رژیم‌های مشروع است. این مساله ارتباطی به تفاوت‌های قومیتی ندارد و به نظر من، بیشتر مردم صلح‌جو و متساهل هستند و یک بخشی از جمعیت مسلمان وجود دارد که به آنها ضدیت علیه رژیم سوری القاء می‌شود.

سؤال: آیا این مساله به معنای اقدام نظامی احتمالی توسط رئیس‌جمهور بوتین است؟



دکتر وینالی نائومکین: نه، این درست نیست. این تعبیری اشتباه است. این کمی متفاوت است. ما می‌دانیم که تعدادی از شورشیان چینی، بی‌رحم‌ترین جهادی‌های چین یا در وزیرستان پاکستان هستند یا در سوریه. در سوریه، ما می‌دانیم که شماری از مبارزان چینی در حکومت اسلامی عراق و شام (Islamic State of Iraq and the Levant) مرتبط به القاعده هستند. تعداد چینی‌ها ۲۵۰ مبارز است و این عدد نسبتاً زیادی است. آنها خیلی خوب تعلیم دیده و بسیار تهاجمی هستند.

سؤال: من سلطانی نژاد هستم؛ دانشجوی دکتری مطالعات خاورمیانه در دانشگاه تهران. شما درخصوص نفوذ فزاینده روسیه در خاورمیانه پس از بحران عربی صحبت کردید. بحثی درباره این افزایش نفوذ وجود دارد و کسانی وجود دارند که فکر می‌کنند که این مساله موقتی است؛ این مساله فقط در نتیجه تغییر جهت های موقتی است و ایالات متحده به منطقه بازخواهد گشت و روسیه کنار خواهد رفت. من می‌خواهم بدانم که نقطه نظر شما در این باره چیست؟

دکتر وینالی نائومکین: همان طور که من گفتم، ما با ایالات متحده رقابت نمی‌کنیم. ما چنین الزاماتی را آنگونه که آمریکا دارد، نداریم. ما نیازی به نفت خاورمیانه نداریم؛ ما به دنبال هیچ چیزی نیستیم؛ ما پایگاه نداریم؛ هیچ یک از دولتهای عربی خلیج فارس از ما نمی‌خواهند که به آنها کمک کنیم؛ دولت‌هایی مانند عربستان سعودی، کویت یا قطر یا بحرین که فرماندهی مرکزی نیروهای دریایی در آنها قرار دارد. ما با آنها رقابت نمی‌کنیم؛ ما این نیروها را نداریم؛ به طور کلی، ما به این منطقه نیاز نداریم.

دکتر کیهان برزگر: بنابراین، ما باید از گفتمان سنتی درباره روابط رقابت محور آمریکا - روسیه در ارتباط با مسائل منطقه ای بیرون آییم. رییس جمهور پوتین اخیراً درباره بلوک اروپایی - آسیایی متشکل از بلاروس، قزاقستان و روسیه صحبت کرد. برخی این مساله را این چنین تعبیر کردند که روس‌ها دارند به دوره جدیدی وارد می‌شوند. البته، رییس جمهور پوتین خود گفت که ما باید در چارچوب اقتصادی و فرهنگی گردهم آییم. با توجه به نگرش مثبت شما درباره روابط فزاینده میان روسیه، ایران و ترکیه و این حقیقت که این سه کشور، دولت - ملت‌های قدرتمند، ظرفیت



های اقتصادی قوی، هویت، تاریخ و احساس قوی احترام به یکدیگر را دارند، شما امکان پیوستن ایران و ترکیه به این بلوک را چقدر می دانید؟

دکتر ویتالی نائومکین: به نظر من، این موضوع امکان‌پذیر است؛ چرا که ما حتی در دوره پساشوروی، سطوح متعدد همگرایی را داریم. البته، همه کشورها تمایل ندارند که وارد آن شوند؛ یا تمایل ندارند یا آمادگی ندارند چرا که نخبگان ملی آنها تمایل ندارند که وارد هر نوع بلوک همگرایی شوند؛ همچون ترکمنستان که ترجیح می دهد منزوی باشد و به هیچ نوع ترتیبی با سایر کشورها ملحق نشود. ما در امور اوکراین مداخله نمی کنیم. ما بسیار تمایل داریم که با اوکراین باشیم؛ ما به اوکراین داریم کمک می کنیم؛ ما به آنها داریم کمک مالی می دهیم، ولی ما اوکراین را مجبور به اتخاذ تصمیمات نمی کنیم؛ ما اراده بسیار خوب خود را نشان دادیم. بالعکس، اروپایی ها دارند اوکراینی ها را تحت فشار قرار می دهند. هنگامی که در خیابان های اوکراین به نفع اتحادیه اروپا تظاهرات وجود داشت، سیاستمداران اروپایی بسیاری به آنجا آمدند و در این حرکت ها مشارکت کردند، در خیابان ها گریه کردند و می گفتند که به ما ملحق شوید. مردم "روسیه" به آنجا نرفتند؛ همین طور، سیاستمداران روسی و اعضای پارلمان مان. هیچ کس به آنجا نرفت. بنابراین، ما داریم اجازه می دهیم که اوکراین خود فکر کند و تصمیم گیرد. در ارتباط با بلاروس، ما بالاترین سطح از یک دولت به اصطلاح متحد را داریم. ما [روسیه و بلاروس] دو رهبری داریم اما جریان آزادانه کالاها وجود دارد؛ ما تقریباً یک سیستم دفاعی داریم؛ ما نقاط مشترک زیادی در حوزه اقتصاد داریم: تقریباً قوانین یکسان و نظام قانونگذاری مشابه. همچنین، ما اتحادیه گمرکی متشکل از روسیه، بلاروس و قزاقستان را داریم. علاوه بر این، این اتحادیه گمرکی روندی از نهادینه کردن نظام بازار مشترک است؛ آن بازار مشترک است؛ آن مشابه آن چیزی است که در اتحادیه اروپا اتفاق افتاد و سال های زیادی طول کشید که اروپاییان به این اتحادیه دست یافتند. ارمنستان نیز می خواهد به اتحادیه گمرکی روسیه ملحق شود. به طور کلی، اتحادیه گمرکی تا پایان سال ۲۰۱۵ نهایی خواهد شد. همچنین، عرصه های دیگری برای همکاری های منطقه ای وجود دارد که بیشتر کشورهای آسیای مرکزی را دربرمی گیرد. بر این اساس، ترکیه نیز تمایل خود را برای پیوستن به سازمان همکاری شانگهای بیان کرد که البته، این امر موضوعی متفاوت است.



زیرا اعضای اصلی این سازمان متشکل از برخی کشورهای آسیای مرکزی و چین است و اگر ترکیه بخواهد به آن ملحق شود، احتمالاً درباره آن بحث خواهد شد. ما با ترکیه روابط بسیار خوبی داریم، اما من فکر نمی‌کنم که با توجه به اینکه ترکیه عضو ناتو است، بتواند عضوی از گروه بندی دیگری باشد؛ به استثنای همکاری‌های نزدیک، نه بیشتر. در ارتباط با ایران، به نظر من، لازم است که ما همه این مشکلات را با طرفین دیگر جهان، در زمینه مساله هسته ای، همه چیز و حذف تحریم‌ها حل کنیم. پس از آن، ما خیلی نزدیک با ایران می‌توانیم کار کنیم و اگر ایران بخواهد، ما نمی‌توانیم در این زمینه مذاکره کنیم.

دکتر کیهان برزگر: به اطلاع حضار می‌رسانم که دکتر نائومکین دیروز مقاله ای را در المانی‌تور درباره بحران سوریه منتشر کردند. در این مقاله، او عنوان می‌کند که اولویت روسیه، مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی خواهد بود و همچنین، وی به روابط آمریکا - روسیه در این مقاله می‌پردازد.

سؤال: سؤال من درباره بحران سوریه است. انتظارات روسیه از آمریکا در مذاکرات ژنو ۲ بر سر سوریه چیست؟ آیا آنها قابل حصول هستند؟

دکتر کیهان برزگر: روسیه بر حضور ایران در کنفرانس ژنو ۲ مصر است. می‌توانید کمی توضیح دهید که چرا روسیه از ایران می‌خواهد تا در این کنفرانس حضور داشته باشد؟

دکتر وینالی نائومکین: زیرا ما معتقدیم که نقش ایران سازنده است. یکی از رهبران دولت‌های شبه جزیره عربی اخیراً گفت که ایران بخشی از مشکل است نه بخشی از راه‌حل؛ و ما با این موضوع کاملاً مخالف هستیم. ما فکر می‌کنیم که ایران نقش سازنده ای را دارد ایفاء می‌کند. ما همچنین معتقدیم که [نقش] ایران بسیار مهم است و از آنجایی که ایران یک بازیگر فعال است، باید به کنفرانس ژنو ۲ دعوت شود. برخی اختلاف‌نظرها نیز میان ما و ایالات متحده وجود دارد. من در مقاله خود در المانی‌تور به مجموعه مشخصی از اختلاف‌نظرها اشاره کرده‌ام؛ از جمله آنکه براساس دیدگاه ایالات متحده، برخی گروه‌های سلفی و بنیادگرا میانه رو و صلح طلب هستند؛ ما این چنین معتقد نیستیم. مساله مربوط به سرنوشت رئیس‌جمهور سوریه است. همان طور که



شما می دانید، رئیس جمهور آمریکا در آغاز بحران گفت که اسد باید برود؛ او باید از قدرت کنار برود. ما مخالف این امر هستیم؛ ما می گوئیم که فقط مردم سوریه می توانند تصمیم بگیرند که چه کسی باید برود، چه کسی باید بماند؛ ایالات متحده نباید تصمیم بگیرد. آنها اصرار می کنند که اسد می بایست کنار رود. اما هم آمریکایی ها و هم روس ها به آنها دارند می گویند که بسیار خوب؛ اما اجازه بدهید که این مساله را به عنوان یک روند شروع کنیم؛ این یک پروسه طولانی مدت است؛ آن یک روزه، یک هفته یا حتی یک ماهه نمی تواند انجام شود. بنابراین، استنباط من از کنفرانس ژنو ۲ این است که درواقع، مخالفان با او [اسد] به طور غیرمستقیم سروکار دارند، او آنجا خواهد بود؛ هیات اعزامی اش او را به عنوان رییس جمهور نمایندگی خواهند کرد. بنابراین، صرفنظر از این حقیقت که او [اسد] شخصا به ژنو نمی آید، او رهبر خواهد بود؛ او دستورات را به هیات اعزامی اش خواهد داد و هیات نمایندگی اپوزیسیون با این رژیم سروکار خواهند داشت. من تماس هایی با بسیاری از گروه های میانه رو به ویژه مخالفان میانه رو دارم و آنها به من می گویند که «اگر ما طرف دیگر را برای برکناری اسد تحت فشار قرار ندهیم، ما اعتبارمان را از دست خواهیم داد چرا که اپوزسیون رادیکال ما به عنوان خائن تلقی خواهند کرد ما را مقصر خواهند دانست و ما به طور کلی، منزوی خواهیم شد. به منظور جذب مردم، ما باید جامعه جهانی را برای برکناری یا سرنگونی اسد تحت فشار قرار دهیم». ولی این مساله بسیار دشواری است و ما مخالف هرکسی هستیم که تلاش می کند تا هر اقدامی را علیه رییس جمهور مشروع سوریه انجام دهد. اما اجازه بدهید که این روند را شروع کنیم.

دکتر کیهان برزگر: شما چگونه وضعیت روسیه و ایران را امروزه در مقایسه با آغاز بحران سوریه ارزیابی می کنید؟ برخی معتقدند که ایران و روسیه تاحدی در این بحران موفق شده اند و واقعا بازی را برده اند. آیا شما با این مساله موافق هستید؟

دکتر ویتالی نائومکین: بله، کم و بیش. اما در عین حال، باید توجه داشت که سوریه ویران شده است و نتیجه بسیار بدی برای همه ما در پی داشته است؛ برای سوری ها، برای رژیم و برای همه. اساسا ما تروریست ها را مقصر [برای ویرانی سوریه] می دانیم، اما احتمالا همه طرفین اشتباه کرده اند؛ همه طرفین. منظورم این است که همه در سوریه مرتکب اقدامات فجیع و



خشونت آمیز شدند؛ نه تنها جهادی‌ها. من چندی پیش در ایالات متحده نزد یکی از همکاران سابق خود در دانشگاه برکلی بودم. او به من گفت که در جنگهای داخلی، افراد بد و خوب وجود ندارد؛ فقط برندگان و بازندگان وجود دارند. از این رو، من با شما موافقم.

دکتر کیهان برزگر: بسیار خوب؛ به نظرم ما به پایان بحث امروز رسیده ایم. در پایان، من چند جمله ای را بیان می‌کنم. اول آنکه، به نظر من، با سخنرانی دکتر نائومکین، ما بهتر مواضع روسیه را درباره مسائل منطقه ای درک می‌کنیم؛ درباره ایران و به ویژه درباره روابط روسیه - آمریکا که به نظر من، درچارچوب نتایج استراتژیک برای مسائل منطقه ای مهم است. دوم آنکه، نگرش خود من این است که روابط ایران و غرب لزوماً به ضرر روابط ایران و روسیه تمام نخواهد شد؛ زیرا همان طور که گفتم روابط ایران و روسیه درچارچوب همکاری‌های منطقه ای در حوزه‌های گسترده-ای همچون مبارزه با تروریسم، امنیت انرژی و همکاری‌ها برای حل مسائل منطقه ای دنبال می‌شود. علاوه بر این، آنها همکاری‌های هسته ای یا معامله تسلیحاتی نیز دارند که ایران این اقدامات را نمی‌تواند با غرب انجام دهد. بنابراین، این روابط سنتی دست نخورده باقی خواهد ماند و همان طور که شما بیان کردید، حتی حذف تحریم‌ها روابط ایران و روسیه را ارتقاء خواهد داد به دلیل استدلال‌های متعددی که شما مطرح کردید. سوم آنکه، آنچه از دیدگاه خود من بسیار مهم است، این است که چگونه مواضع ایران و روسیه در بحران سوریه به هم نزدیک شد؛ این امر نشان می‌دهد که تا چه میزان، ایران و روسیه منافع مشترک درچارچوب منطقه ای دارند. به نظر من، این امر می‌تواند یک نقطه شروع خوب برای همکاری‌های بیشتر در خاورمیانه بزرگ، آسیای مرکزی، افغانستان، آسیای جنوبی، لوانت، مصر و ... باشد. بنابراین، ما باید چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای پس از بحران سوریه را پیدا کنیم. من اخیراً چندین همکار روسی خود را ملاقات کردم و آنها متعجب شدند از اینکه چقدر اساتید دانشگاه و روشنفکران ایرانی به شیوه مشابهی [همچون ما] فکر می‌کنند هنگامی که مساله همکاری‌های منطقه ای مطرح می‌شود. از این رو، به نظر من، بحران سوریه نقطه عطفی در روابط ایران و روسیه است. اما آخرین نکته من درباره همکاری میان روسیه، ایران و ترکیه است. این‌ها سه دولتی هستند که معتقد به حفظ نظام دولت، از طریق مبارزه با افراط‌گرایی و ایجاد ثبات منطقه‌ای هستند. آنها همچنین تمایل به همکاری درخصوص



امنیت انرژی دارند. اساس این همکاری بیشتر نشات گرفته از حفظ منافع ژئوپلیتیکی است تا رقابت ایدئولوژیک. بدین دلیل است که با وجود همه اختلافات میان ایران و ترکیه درباره بحران سوریه، دو کشور با یکدیگر دارند کار می کنند. بنابراین، شاید در آینده، ما بتوانیم ایده روابط ایران - روسیه - ترکیه را بسط دهیم؛ نه درچارچوب رقابت های ژئوپلیتیک همچون گذشته، بلکه درچارچوب همکاری های سیاسی - اقتصادی. وضعیت منطقه تغییر کرده است، ماهیت تهدیدات دارد تغییر می کند و دیگر آن مبارزه یا رقابت استراتژیک نیست؛ بیشتر مبارزه با تروریسم و افراطگرایی و برقراری ثبات به ویژه میان ایران، ترکیه و روسیه است. من در پایان، از دکتر ویتالی نائومکین برای حضور در پژوهشکده سپاسگزاری می کنم. این نشست بسیار جالب و آموزنده بود. ما می توانیم ادامه بحث مان را در حین پذیرایی نیز دنبال کنیم. اما پیش از آن، با هم از دکتر نائومکین قدردانی می کنیم. (تحسین حصار)

نویسنده: فحمیه قربانی پژوهشگر مقیم پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه